

عنوان مقاله:

یک خوانش پدیدارشناختی از انتزاع در نقاشی

محل انتشار:

مجله هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، دوره 27، شماره 3 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسنده:

فاطمه بنویدی - عضو هیات علمی فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.

خلاصه مقاله:

این موضوع که تصاویر قادر به نمایش چیزهایی کاملاً متفاوت از خودشان هستند، از زمان افلاطون برای فیلسوفان جذاب بوده است. از جمله فیلسوفانی که به این حوزه پرداخته اند پدیدارشناسان هستند، آنها از زوایای مختلف به تصاویر نزدیک می شوند. در این مقاله سعی می شود به این سوال پاسخ داده شود که چگونه می توان از مفاهیم پدیدارشناختی برای درک انتزاع در نقاشی کمک گرفت؟ در این نوشتار متأثر از ادmond هوسرل، از مفاهیم [افق، تقلیل پدیدارشناختی، زیست جهان، اپوخه] کمک گرفته شده است تا نشان بدهد چه ارتباطی بین انتزاع، جهان و تقلیل پدیدارشناختی وجود دارد. نتیجه مورد تاکید مقاله این است که هنرمند مانند پدیدارشناس از جهان طبیعی و روزمره دور می شود و عمیق تر به جهان نگاه می کند و زیست جهان فراموش شده را دوباره احیا کرده و شکاف بین آگاهی و جهان را پر می کند. از این نظر دو نتیجه قابل تحصیل است: یکی اینکه کارکرد انتزاع در هنر نشان دادن این بازگشت به جهان و روابط درونی ناشناخته آن است. دیگر اینکه تمام نقاشی ها انتزاعی هستند. زیرا دنیای قابل رویت را نشان نمی دهند، بلکه نیروهای نامرئی فعال در جهان را نشان می دهند. همچنین مفهوم اپوخه پدیدارشناختی و تمایزش با اپوخه زیبایی شناسی نشان می دهد، نقاشی ها معنایی فراتر از عناصر تصویری دارند که باید با تمرین طولانی اندیشیدن هنری آن را آموخت.

کلمات کلیدی:

پدیدارشناسی، افق، تقلیل پدیدارشناختی، اپوخه، انتزاع، نقاشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1775251>

